



## **Hard war and the necessity of sharh e-sadr (patience and perseverance) in the companions of divine leaders**

**Dr. Mohammad Saber Jafari <sup>1</sup>**

### **Abstract**

Advocates of truth and the followers of the divine leaders have always been problems from the false front. Confrontation and hard war are one of the problems that the false current creates against the right front. Today, hard war has become an all-out war in the form of a combined and hybrid war and is no longer limited to military war. If the religious community and the companions who should be responsible for the goals of the Imam and his assistance do not know and apply these problems and difficulties and how to interact with them, the right front will suffer serious damage. This research has been completed using a descriptive-analytical method and by examining verses and narrations from important Islamic sources. The research findings show that in the face of various manifestations of hard war such as aggression; Sanctions, war, terror, coups, and the creation of insecurity and chaos, and especially in confronting the enemy's new war, namely combined and hybrid war, in addition to insight against soft war, the necessity of explaining the path, which is one of the prominent characteristics of the companions of the divine leaders, and increases the effectiveness and efficiency of the Righteous Front.

**Keywords:** The Front of Truth, divine leaders, hard war, combined war, chest description.

---

1. Faculty member of the Bright Future Institute(Mahdaviyat Institute) Qom, Iran (jafarimsaber@yahoo.com)

## جنگ سخت و لزوم شرح صدر (صبر و استقامت) در یاران تراز رهبران الهی

محمد صابر جعفری<sup>۱</sup>

### چکیده

جبهه حق و پیروان رهبران الهی همواره دچار مشکلاتی از جانب جبهه باطل بوده اند. رویارویی و جنگ سخت یکی از مشکلاتی است که جریان باطل در برابر جبهه حق ایجاد می کند. امروزه جنگ سخت تبدیل به جنگی همه جانبه در قالب جنگ ترکیبی و هیبریدی شده است و دیگر منحصر به جنگ نظامی نیست. اگر جامعه دینی و یارانی که باید عهده دار اهداف امام و یاری او باشند، این مشکلات و سختی ها و چگونگی تعامل با آن را ندانند و به کار نگیرند جبهه حق دچار آسیب جدی می گردد. این جستار به روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی آیات و روایات از منابع مهم اسلامی به سرانجام رسیده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که در مقابل جلوه های مختلف جنگ سخت مانند پرخاشگری، تحریم، جنگ، ترور، کودتا و ایجاد ناامنی و هرج و مرج و به خصوص در مقابله با جنگ جدید دشمن یعنی جنگ ترکیبی و هیبریدی، علاوه بر بینش در مقابل جنگ نرم، وجود شرح صدر که از شاخصه های بارز یاران تراز رهبران الهی است، کارآیی و کارآمدی جبهه حق را افزون تر می کند.

### واژگان کلیدی

جبهه حق، رهبران الهی، جنگ سخت، جنگ ترکیبی، شرح صدر.

### مقدمه

مشکلات و آفاتی که جامعه دینی و یاران انبیاء و اولیای الهی را تهدید می کند؛ برخی مربوط به امور و عوامل داخلی و شخصیتی افراد نظیر خودخواهی ها و جاه طلبی ها، شهوات و... است و برخی مربوط به امور بیرونی و خارج از مجموعه جمع مؤمنان است. عوامل بیرونی و مربوط به دشمنان به دو موضوع برمی گردد:

۱. معاون پژوهش و هیئت علمی مؤسسه آینده روشن، قم، ایران (jafarimsaber@yahoo.com).  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۷/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۷

اول: جنگ نرم یا شبهات و تردیدهایی که دشمن و به تبع آنان منافقان ایجاد می‌کنند که در مجالی دیگر به آن پرداخته‌ایم (جعفری، ۱۴۰۱: ۹۹-۱۱۸).

دوم: جنگ سخت یا سختی‌ها و فشارهایی است که دشمن و منافقان ایجاد می‌کنند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

این امر (ولایت) را کسی نمی‌تواند متحمل گردد جز اهل بصیرت و اهل صبر و آگاهی به جایگاه امور (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳).

خود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام الگوی عملی چنین رفتاری بود؛ «امیرالمؤمنین علیه السلام از اوایل نوجوانی تا هنگام مرگ، دو صفت «بصیرت» و «صبر» - بیداری و پایداری - را با خود همراه داشت. او یک لحظه دچار غفلت و کج فهمی و انحراف فکری و بد تشخیص دادن واقعیت‌ها نشد. از همان وقتی که از غار حرا و کوه نور، پرچم اسلام به دست پیامبر برافراشته شد و کلمه «لا اله الا الله» بر زبان آن بزرگوار جاری شد و حرکت نبوت و رسالت آغاز گردید، این واقعیت درخشان را علی بن ابی طالب علیه السلام تشخیص داد؛ پای این تشخیص هم ایستاد و با مشکلات آن هم ساخت؛ اگر تلاش لازم داشت، آن تلاش را هم انجام داد؛ اگر مبارزه لازم داشت، آن مبارزه را کرد؛ اگر جانفشانی می‌خواست، جان خود را در طبق اخلاص گذاشت و به میدان برد و اگر کار سیاسی و فعالیت حکومت‌داری و کشورداری می‌خواست، آن را انجام داد. بصیرت و بیداری او، یک لحظه از او جدا نشد. دوم، صبر و پایداری کرد و در این راه استوار و صراط مستقیم، استقامت ورزید. این استقامت ورزیدن، خسته نشدن، مغلوب خواسته‌ها و هواهای نفس انسانی نشدن، نکته مهمی است... این دو خصوصیت در امیرالمؤمنین علیه السلام قابل تقلید و قابل پیروی است... همه در این خصوصیت باید سعی کنند که خودشان را به امیرالمؤمنین نزدیک کنند، هرچه همت و استعدادشان باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۰۸/۱۲).

در این نوشتار شاخصه‌ها و ویژگی‌های نیروها، با توجه به موانع، مشکلات، فشارها و رویارویی‌هایی که دشمنان ایجاد می‌کنند (جنگ سخت) مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، که ما ابتدا انواع مختلف مشکلاتی که از سوی دشمنان برای جامعه ایمانی ایجاد می‌شود را برشمرده و آن‌گاه در مقابل آن، راهکار اساسی و بنیادین را بر مبنای آیات و روایات تبیین می‌کنیم.

## دشمنی‌ها (جنگ سخت)

دشمنان مسیر حق و اولیای الهی علاوه بر جنگ نرم و تلاش برای ایجاد شبهات و تردیدزایی در صفوف یاران و نیروهایی حق، از انواع شیوه‌های جنگ سخت بهره می‌جویند. نظیر تندی و خشونت، تحریم و ترور و ایجاد ناامنی و تا جنگ و لشکرکشی و ... .

### ۱. تندی و پرخاشگری

یکی از شیوه‌های دشمنان بر علیه جبهه حق بکار می‌برند تندی و پرخاش هست. آیات و روایاتی زیادی بر این مطلب اشاره دارد که یک آیه به عنوان نمونه می‌آوریم:

﴿وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا...﴾ (حج: ۷۲)؛ و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهره کافران، آثار انکار مشاهده می‌کنی؛ آن چنان که نزدیک است برخیزند و با مشت به کسانی که آیات ما را بر آنها می‌خوانند حمله کنند....

### ۲. تحریم و محاصره اقتصادی

یکی از حرب‌های دشمن، تحریم و محاصره اقتصادی و در انزوا قرار دادن حق و پیروان آن است؛ ماجرای شعب ابی‌طالب یکی از نمونه‌های این تحریم در تاریخ است:

وقتی قریش نتوانستند یاران پیامبر ﷺ را از حبشه باز گردانند و دیدند که اسلام به خارج از حجاز هم نفوذ کرده با هم مشورت کردند تا راهی برای تسلیم شدن پیامبر و یارانش پیدا کنند. لذا قرار شد عهدنامه‌ای امضاء کنند که حضرت محمد ﷺ و یاران و خاندانش را در محاصره قرار دهند. بدین ترتیب که احدی حق نداشته باشد با آنان رفت و آمد کند. قریش این عهد نامه را در صندوقچه‌ای درون کعبه گذاشتند. مفاد عهدنامه سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی و ارتباطی با پیامبر ﷺ و هوادارانش بوده که جز با تسلیم پیامبر ﷺ برای کشتن ملغی نمی‌شد. از آن پس ناگزیر پیامبر ﷺ و یارانش در بیرون مکه در دژه‌ای بنام «شعب ابی‌طالب»<sup>۱</sup> به سر

۱. این شعب که محل سکونت بی‌هاشم بود، همان محلی است که رسول خدا ﷺ همراه خاندان خود، به مدت سه سال در محاصره سایر خاندان‌های قریش قرار گرفت و با مشقت و رنج آن دوران را سپری کرد. ابوطالب به عنوان بزرگ بنی‌هاشم، همراه فرزندانش جعفر و علی علیهما السلام مهم‌ترین نقش را در دفاع از رسول خدا ﷺ بر عهده داشت. شعب یاد شده محل تولد رسول خدا ﷺ بوده و خانه خدیجه که محل زندگی حضرت با وی بوده فاطمه زهرا علیها السلام نیز در آن جا متولد شده، همین جا بوده است. در حال حاضر، تنها بخشی از محله شعب ابی‌طالب باقی مانده که نام آن سوق اللیل و بر فراز کوه است (جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

می‌بردند، و زندگی آنان در کمال سختی و ناراحتی می‌گذشت، محاصره شعب سه سال طول کشید فشار و سختگیری‌ها به حدی رسید که ناله فرزندان بنی‌هاشم به گوش مشرکان مکه می‌رسید (قائدان، ۱۳۸۱: ۱۱۴) ولی در دل آنها تأثیر چندانی نمی‌کرد.

جاسوسان قریش در تمام راه مراقب بودند مبادا کسی خواری‌باری به شعب ابی‌طالب ببرد (ابن هشام، بی‌تا: ج ۱، ۳۵۴).

تا این‌که سه سال از این ماجرا گذشت و پیامبر ﷺ از جانب خداوند آگاه شد که موریانه، عهدنامه قریش را خورده و جزء نام خدا از آن چیزی نمانده است. ابوطالب این مطلب را در جمع قریش اعلام کرد و آنان قول دادند که اگر گفتار پیامبر ﷺ راست باشد، دست از محاصره بردارند. سپس به درون کعبه رفتند، دیدند که سخن پیامبر ﷺ درست بوده و عهدنامه از بین رفته است (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۷۳-۷۴). ناگزیر پیامبر و یارانش را آزاد کردند تا به مکه باز گردند. اما از دنیا رفتن دو حامی وفادار پیامبر ﷺ یعنی عمویش ابوطالب و خدیجه و آزار قریش از سر گرفته شد و مسلمانان بار دیگر گرفتار آزار و شکنجه شدند.

### ۳. جنگ و رویارویی

رویارویی و کشتن و جنگ نوعی دیگر از این تقابل است. قرآن تعبیر «قَتَلَهُمُ الْأَنْبِيَاءُ» (آل عمران: ۱۸۱؛ نساء: ۱۵۵) دارد یعنی پیامبران فراوانی به شهادت رسیدند. تمسخر و استهزاء تا کشتن انبیاء و فرزندان انبیاء و مؤمنان به خاطر ایمان و راه حق، بخشی از این رویارویی است.

«وَمَا تَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (بروج: ۸)؛ کفار از مؤمنین انتقامی نگرفتند مگر این‌که مؤمنین به خدای عزتمند و ستوده ایمان آوردند. جنگ‌های متعدد که بر علیه پیامبر ﷺ رقم زدند و جنگ‌هایی که بر علیه امیرالمؤمنین علیؑ ایجاد کردند بخشی از رویارویی و جنگ تاریخی حق و باطل است.

### ۴. ترور

یکی دیگر از رفتارهای ناجوانمردانه دشمنان که از رویارویی مستقیم عاجزند به آن تمسک می‌جویند ترور رهبران یا افراد مؤثر در مسیر حق‌اند؛ نظیر اقدام به ترور حضرت رسول ﷺ با رم دادن شتر و مرکب پیامبر ﷺ؛

در رمضان سال نهم قمری، هنگامی که پیامبر از غزه تبوک باز می‌گشت؛ گروهی از صحابه

بر سر راه آن حضرت در گردنه کوهی کمین کرده و تصمیم داشتند حضرت را ترور کنند، آنان می خواستند شتر پیامبر را رم دهند تا پیامبر از کوه پرتاب و کشته شود. خداوند، پیامبر را از قصد آنان خبر داد و ایشان نیز تمهیدات لازم را اندیشید. پیامبر به حذیفه بن یمان و عمار دستور داد؛ یکی در جلوی ایشان و دیگری در پشت سر، راه بیفتند و از پیامبر مراقبت کنند (ابن کثیر، ۱۴۷ق: ج ۵، ۱۹). و همچنین دستور داد بقیه سپاه از پائین کوه بروند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ۷۹). سپاهیان از پائین کوه حرکت کردند اما منافقانی که قصد ترور داشتند به دامنه کوه رفتند. پیامبر صدای آنان را شنید و عصبانی شد. به حذیفه دستور داد آنان را پراکنده کند و در نتیجه آنان پراکنده شده و به صورت مخفیانه به سپاه پیوستند (بیهقی، ۱۴۰۵ق: ج ۵، ۲۵۶).

أُسَید بن حُصَیر از رسول خدا اجازه خواست تا آنان را به قتل برساند (واقدی، المغازی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۰۴۳) اما پیامبر با این امر مخالفت کرده و دلیل خود را چنین ذکر می کند: دوست ندارم عرب در مورد من بگوید: پس از آن که با کمک اصحابش به پیروزی هایی دست یافت؛ شروع به کشتن اصحابش کرد (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۵، ۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۷۱).

ترور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در محراب نماز نمونه ای دیگر از این رفتار ناجوانمردانه است.

همچنین ترور مالک اشتر با عسل مسموم تا امروزه که طبق آمار ده ها هزار شهید ترور بخشی از دستاورد ایادی جنایتکار مستکبران عالم است.

##### ۵. کودتا

یکی از انواع جنگ سخت دشمن کودتاست و این موضوع پیشینه ای فراوان و تاریخی دارد. بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اراذل و اوباش همراهان غاصبانی شدند که حق را سلب و جایگاه امامت و خلافت را غصب و درب و پهلوئی سید زنان عالم را شکسته و امام را دست بسته و بر مسند نشسته، دیگران را تطمیع و تهدید و حتی شبانه ترور کردند.

در حکومت حضرت علی علیه السلام با راه انداختن جریان خوارج بر حکومت قانونی شوریده و به دنبال حذف و شهادت حضرت بودند.

کودتای نوژه، اقدام برای کودتا با هواپیماهایی که در طبرس ساقط شد و... نمونه ای از این فعالیت ها در امروز است.

## ۶. ایجاد ناامنی و هرج و مرج

یکی دیگر از روش‌های جنگ سخت ایجاد ناامنی و هرج و مرج است که فضای جامعه را ملتهب، اقتدار نظام را شکسته، زمینه اعتراضات مردمی، ناامیدی و بی‌اعتمادی و فاصله بین مردم و حکومت شده و مسئولان را از امور اصلی و بنیادین به مسائل فرعی و حاشیه‌ای مشغول می‌سازد.

کتاب *الغارات*<sup>۱</sup> حاوی موارد فراوانی از آزارهای غافلگیرانه، غارتگری‌ها، شبیخون‌ها، آتش کشیدن‌ها، غارت اموال، ایجاد رعب و هراس در میان مردم، سلب امنیت از شهرهای اسلامی و ناامن‌سازی هاست. حمله بسر بن ابی‌ارطاه به مدینه، مکه و یمن نمونه‌ای از این دست موارد است.

علاوه بر مایوس ساختن مردم از حکومت حضرت علی علیه السلام، درهم شکستن مقاومت آنان و جلوگیری از تداوم حمایت آنان از امام؛ و داشتن امام به مقابله به مثل و از بین بردن قداست امام در اذهان مردم از دیگر اهداف معاویه بود. هرچند امام براساس عدالت هیچ‌گاه مقابله به مثل نکردند:

و مِن كَلَامِهِ لَمَّا نَقَضَ مُعَاوِيَةُ بَنُ أَبِي سُفْيَانَ شَرْطَ الْمُوَادَعَةِ وَأَقْبَلَ يَشْتُرُ الْغَارَاتِ عَلَى أَهْلِ الْعِرَاقِ، فَقَالَ بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ: مَا لِمُعَاوِيَةَ قَاتَلَهُ اللَّهُ؟! لَقَدْ أَرَادَنِي عَلَى أَمْرٍ عَظِيمٍ، أَرَادَ أَنْ أَفْعَلَ كَمَا يَفْعَلُ، فَأَكُونُ قَدْ هَتَكْتُ ذِمَّتِي وَ نَقَضْتُ عَهْدِي، فَيَتَّخِذُهَا عَلَى حُجَّةٍ، فَتَكُونُ عَلَى سَبِينَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا ذُكِرْتُ. فَإِنْ قِيلَ لَهُ: أَنْتَ بَدَأْتَ، قَالَ: مَا عَلِمْتُ وَلَا أَمَرْتُ، فَبِنِ قَائِلٍ يَقُولُ: قَدْ صَدَقَ، وَ مِنْ قَائِلٍ يَقُولُ: كَذَبَ. أَمْ وَاللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ لَذُو أَنَاةٍ وَحِلْمٍ عَظِيمٍ، لَقَدْ حَلَمَ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ فِرَاعِنِهِ الْأَوَّلِينَ وَعَاقَبَ فِرَاعِنَهُ، فَإِنْ يُمِهُلُهُ اللَّهُ فَلَنْ يَفُوتَهُ، وَهُوَ لَهُ بِالْمِرْصَادِ عَلَى مَجَازِ طَرِيقِهِ. فَلْيَصْنَعْ مَا بَدَأَ لَهُ فَإِنَّا غَادِرِينَ بِذِمَّتِنَا، وَ لَا نَاقِضِينَ لِعَهْدِنَا، وَ لَا مُرَوِّعِينَ لِمُسْلِمٍ وَ لَا مُعَاهِدٍ، حَتَّى يَنْقُضِيَ شَرْطَ الْمُوَادَعَةِ بَيْنَنَا،

۱. غارات سلسله حملات سپاهیان معاویه به مناطق تحت حکومت امام علی علیه السلام بود که در آن به قتل و غارت مردم و طرفداران امام علی علیه السلام پرداختند. این حمله‌ها بیشتر در فاصله زمانی جنگ نهروان تا شهادت امام علی علیه السلام اتفاق افتاد. هدف از غارات را ایجاد هراس در میان هواداران امام علی علیه السلام و همچنین تحکیم پایه‌های حاکمیت معاویه دانسته‌اند. حمله و غارت‌های سپاه معاویه در شهرها و مناطقی چون مصر، یمن، مکه، مدینه، بصره، مدائن، حجاز و حتی تا نزدیک کوفه انجام گرفت. این حملات به گونه‌ای طراحی شده بود که پراکنده و ناگهانی باشد و حتی عکس‌العمل سریع سپاهیان امام علی علیه السلام نیز کارساز نباشد. برخی از حملات و غارت‌های سپاه معاویه توسط سپاهیان امام علی علیه السلام دفع شد و در برخی نیز سپاه پیش از رسیدن سپاه امام علی علیه السلام، به شام فرار کردند. امام علی علیه السلام در این دوره، از نافرمانی کوفیان گلایه کرد و آنها را مورد سرزنش قرار داد (همان).

إن شاء الله (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۲۷۵):

امام در بخشی از سخنانش، آن‌گاه که معاویه بن ابی سفیان شرط صلح را نقض کرد و به شیبخون‌هایی علیه مردم عراق پرداخت، پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «معاویه را چه می‌شود؟ خدا او را بکشد! او از من کار بزرگی را انتظار دارد. او می‌خواهد من هم مثل او عمل کنم تا عهد و پیمانم را شکسته باشم و آن را حجتی بر ضد من بگیرد و تا قیامت، هرگاه که از من یاد شود، مایه ننگ و بدنامی ام گردد. هرگاه به او گفته شود: تو آغاز کردی، گوید: من نه خبر دارم و نه دستور داده‌ام. بعضی هم بگویند: راست می‌گوید، برخی هم سخنش را دروغ بدانند. به خدا سوگند که خداوند، صبر و حوصله بسیار دارد و نسبت به بسیاری از فرعون‌های پیشین، حلم ورزیده است، فرعون‌هایی را هم کیفر داده است. اگر خدا به او مهلت می‌دهد، از چنگ خدا نمی‌تواند بگریزد و خداوند، بر سر راه او در کمین است. پس هر کار می‌خواهد، بکند. ما هرگز پیمان خود را نخواهیم شکست و نقض عهد نخواهیم کرد و هیچ مسلمان و معاهدی را به هراس نخواهیم افکند، تا آن شرط ترک جنگ میان ما سپری شود. إن شاء الله!

### جنگ هیبریدی یا جنگ ترکیبی

تاکنون تعریف مشخصی از جنگ‌های هیبریدی بیان نشده است چرا که حدود مشخصی برای این نوع جنگ مشخص نیست. جنگ هیبریدی یا جنگ ترکیبی؛ راهبرد نظامی پیچیده و ترکیبی از نبردهای متعارف، نامتعارف، سایبری، روانی و اطلاعاتی است. در این نوع از جنگ که از جنگ‌های مدرن به شمار می‌رود (محمدزاده چمازکتی، بی تا: ۵). طیف گسترده‌ای از ابزارها به شیوه متقارن و بدون محدودیت در زمان و مکان مورد استفاده مهاجم قرار می‌گیرد. هم اکنون در بسیاری از نقاط دنیا به جای جنگ مستقیم، جنگ‌های ترکیبی در حال جریان است.

در این راستا، مهم‌ترین وجه جنگ ترکیبی را باید در عرصه شناختی و اداراک دانست که مبتنی بر ادارک‌سازی و ایجاد شناخت در مخاطب است. در این روش، دشمن افکار عمومی را برای رسیدن به اهدافی که دارد آماده کرده و آنها را مهیای همراهی با خود می‌کند. آنچه مسلم است به علت پیچیدگی و تنوع ابزارها، کنش‌ها و واکنش‌ها در جنگ هیبریدی

تعریف واحدی از جنگ هیبریدی موجود نیست. هر گاه ترکیبی از مؤلفه‌های ذکر شده مورد استفاده قرار گیرد به نوعی جنگ هیبریدی در جریان است. ترکیبی از عملیات نظامی دیپلماتیک، سایبری و اطلاعاتی تشکیل دهنده جنگ هیبریدی است. به نظر می‌رسد عصری جدید در تاریخ جنگ در حال وقوع است. جنگ‌های پیچیده پر ابهام، پر ابزار و پیچیده و متنوع. این ویژگی‌های جنگ هیبریدی است (محمدزاده چمازکتی، بی تا: ۵).

### ابزارهای جنگ هیبریدی

آنچه مدل هیبریدی تنش را از سایر مدل‌ها مجزا می‌کند، شیوه‌ای است که از طریق این مدل خطوط بین جنگ و صلح را مبهم می‌کند. جنگ ترکیبی، دارای شاخه‌های مدرن و کارآمدی است که از هر نوع جنگ فیزیکی کاربرد و کارایی بیشتری دارد. جنگ ترکیبی شامل هشت نوع جنگ در هشت عرصه شامل عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دیپلماتیک، امنیتی، شناختی و رسانه‌ای برای معتبرسازی تهدید نظامی است که اجزای هم‌افزایی این جنگ را شکل می‌دهند. در اجلاس امنیتی مونیخ ۲۰۱۵، هشت ابزار جنگ هیبریدی اعلام شد (همان).

- جنگ دیپلماتیک
- نیروهای ویژه
- نیروهای نامنظم و چریکی
- جنگ‌های کلاسیک نظامی
- جنگ اطلاعاتی و تبلیغاتی
- حمله سایبری
- جنگ اقتصادی
- حمایت از آشوب‌های داخلی

### تفاوت جنگ هیبریدی با جنگ‌های کلاسیک

همان‌گونه که مشخص است، جنگ ترکیبی یا هیبریدی به دنبال تغییر تعریف جنگ‌های مستقیم نیست بلکه ترکیبی از انواع جنگ‌ها را در کنار هم می‌بیند. در این تعریف جنگ‌های مستقیم جزئی از جنگ‌های هیبریدی است.

یکی از تفاوت‌های جنگ هیبریدی با جنگ‌های کلاسیک در میزان نوع و شدت تلفات

است. در جنگ‌های مستقیم تلفات جانی بسیار متداول است اما در جنگ‌های ترکیبی احتمال دارد که با حمله سایبری یکی از نهادهای کشور هدف مورد حمله قرار گیرد. در جنگ‌های اقتصادی امکان دارد فقر، تورم، بیکاری و رکود در جامعه هدف فراگیر شود. در جنگ‌های تبلیغاتی ممکن است فرهنگ یک کشور مورد حمله قرار گیرد. جنس تلفات در این‌گونه جنگ‌ها تفاوت کرده است. در جنگ‌های هیبریدی میزان تلفات طرف متخاصم به شدت کاهش یافته است (همان).

### ویژگی یاران و راهکار

#### شرح صدر و استقامت

در تقابل با تهاجمات اندیشه‌ای، تخریب‌ها و شبهات، بینش عمیق و درپیشگیری و تقابل با مشکلات، هجوم‌ها و مشکلات در حوزه عمل و جنگ سخت، سعه صدر لازم است. شرح صدر موهبتی است که خداوند بر عنایتش به پیامبر ﷺ اشاره می‌کند:

﴿أَمْ نَشْرَحُ لَكَ صَدْرَكَ﴾. (انشریح: ۱)

همچنین شرح صدر یکی از نعمت‌ها و پاداش‌های است که خداوند به منتظران عنایت می‌کند:

أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّ مَنِ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعًا بِهَا أَمْرًا وَيَغِيظُ بِهَا عَدُوَّنَا وَهُوَ مُنْسُوْبٌ إِلَيْنَا أَدْرَأَ اللَّهُ رِزْقَهُ وَشَرَحَ صَدْرَهُ وَبَلَغَهُ أَمَلَهُ وَكَانَ عَوْنًا عَلَيَّ حَوَاجِحِهِ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۳، ۲۵۸)؛  
آیا نمی‌دانی آن که مرکبی را با چشم‌انداز وقع تحقق امر ما و موجب غیظ و خشم دشمن ما نگهدارد... خداوند صدر و سینه‌اش را شرح می‌بخشد....

#### شرح صدر در لغت

شرح صدر مرکب از دو واژه شرح و صدر می‌باشد.

شرح به معنای کشف و بیان، توسعه، باز کردن، گشودن، گستردن، فراخی بخشیدن، روشن و آشکار نمودن است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲۴، ۳۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۴۹۷).

شرح، نوع خاصی از توسعه و بسط موضوع است که در مقابل قبض و بسته بودن قرار دارد. به مفاهیم تبیین، توضیح، تفسیر، کشف و... از آن جا که موضوع را بسط می‌دهند، شرح نیز

گفته می‌شود.

صدر به معنای قفسهٔ سینه و جمع آن صدور است. این واژه برای برجسته و مقدم‌ترین بخش هر چیزی استعمال می‌شود، مانند صدر کلام، صدر کتاب، صدر مجلس و از آن جا که قلب در سینه قرار دارد، برای قلب هم مجازاً استعمال می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۴۷۷).

### شرح صدر در اصطلاح

با توجه به آیات و روایات منظور از شرح صدر ظرفیت روحی و «سعه وجودی» (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۳۳۸) است. شرح صدر، عبارت است از استعداد دریافت معارف و حقایق. وقتی این استعداد در کسی پدید می‌آید، انوار معرفت الهی در دل او می‌تابد (سجادی، ۱۳۷۰: ۵۰۳).

### آثار و لوازم شرح صدر

شرح صدر آثار و لوازم مختلفی دارد که به شرح و بیان آنها می‌پردازیم:

#### شرح صدر، ریشهٔ صبر و استقامت و مبارزه

شرح صدر ظرفیت روحی است که ریشه‌های معرفتی دارد. یعنی در اثر رشد معرفتی این ظرفیت حاصل می‌شود. سعه صدر، از معرفت حق تعالی پیدا شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۳۳۸).

شرح صدر تحقق بخش صبر و استقامت است. وقتی ظرفیت روحی تحقق یافت و فراتر از محدودیت‌های مادی شد نگاه او به هستی نگاه توحیدی و در قبال حضرت حق تسلیم است. چنین فردی بر در اصل دین و ارزش‌های دینی پافشاری و پایداری داشته و به بیراهه‌های کفر و شرک و نفاق منحرف نمی‌گردد (بُعد فکری و عقیدتی) و در مقابل سختی‌های اطاعت و همراهی با دین و ولی دین و در برابر دشواری‌ها و تقابل‌ها و درگیری‌ها و... شکیبیا و صبور است (در مقام عمل).

حضرت موسی علیه السلام با درخواست شرح صدر، زمینه تسهیل امر رسالت را فراهم می‌آورد. چون اگر قرار است رهبری قوم بنی اسرائیل را در مواجهه با فرعونیان قدرتمند به عهده گیرد، لازم است سعه صدر داشته باشد تا در برابر تکذیب‌شان دلتنگ نگردد.

اگر افراد دارای شرح صدر بوده و ظرفیت روحی بلایی داشته باشند؛ امور کوچک در نظرشان

نمی آید:

عَظُمَ الْحَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

وقتی چنین شد نه سختی امور و مشکلات آنان را از میدان به در می برد و مقاومت شان را می شکند و نه شادمانی و شغف از پیروزی ها، مست و مغرورشان کرده از مسیر منحرف می کند:

﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾

(حدید: ۲۳)؛

تا بر آنچه از دست شما رفت تأسف نخورید، و بر آنچه به شما داده شادمانی (بی جا) نکنید، و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد.

امام راحل رحمه الله در این باره می فرماید:

انسانی که دارای شرح صدر باشد، هرچه از کمال و جمال و مال و منال و دولت و حَسَم در خود ببیند، به آن اهمیت ندهد و در نظرش بزرگ و مهم نیاید. سعه وجود چنین انسانی، به قدری است که بر تمام واردات قلبی غلبه کند و از ظرف وجودش، هیچ چیز لبریزی نکند. و این سعه صدر، از معرفت حق تعالی پیدا شود؛ در مواد مستعدّه لایقه انس با خدا، قلب را به مقام اطمینان و طمأنینه رساند. و یاد حق تعالی دل را از منازل و مناظر طبیعت منصرف کند، و تمام جهان و جهانیان را از نظر او بیاندازد، و دلبستگی به احدی غیر از حق پیدا نکند، و با هیچ چیز دل خوش نکند، و همّتش به مرتبه [ای] رسد که تمام عوالم وجود در پیش نظرش نیاید. پس، هرچه واردات قلبی پیدا کند، دامن گیر او نشود. و خود را به واسطه آنها بزرگ و بزرگوار نشمارد. و هرچه غیر از حق و آثار جمال و جلال او است، در نظرش کوچک باشد. و این خود، منشأ تواضع برای حق شود، و به تبع برای خلق؛ زیرا که خلق را نیز از حق ببیند. و همین، منشأ عزّت نفس و بزرگواری هم شود؛ زیرا که روح تملّق که از نفع طلبی و خودخواهی پیدا شود، در او نیست. پس، خداخواهی سعه صدر آورد، و سعه صدر تواضع و عزّت نفس آورد و در مقابل، خودخواهی و خودبینی هم از ضیق صدر است و هم ضیق صدر آورد. و آن مبدأ تکبر است؛ زیرا چون ضعف قابلیت و ضیق صدر داشت، هرچه در خود ببیند در نظرش بزرگ شود و به آن تدلّل و بزرگی کند، و در عین حال

چون اسیر نفس است، برای رسیدن به مقاصد آن، پیش اهل دنیا - که مورد طمع اوست - ذلت و خواری کشد و تملق‌ها گوید (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۳۳۸).

چنان‌که گفته شد چون شرح صدر، استعداد دریافت معارف و حقایق نیز هست بنابراین وقتی این استعداد در کسی پدید می‌آید، انوار معرفت الهی در دل او می‌تابد، لذا گفته‌اند: شرح صدر آن است که در سه مرحله، سه نوع نور، نصیب انسان می‌شود: نور عقل در آغاز راه، نور علم در وسط مسیر سلوک و نور عرفان در پایان مسیر. در نتیجه در پرتوی این انوار، انسان به درک و شهود بسیاری از حقایق دست می‌یابد و بسیاری از حجاب‌ها از جلوی چشم او کنار می‌رود و او می‌تواند برخی از عوالم ملکوت را مشاهده کند و باطن پدیده‌ها را ببیند. و به همین مسئله کلام نورانی رسول خدا ﷺ اشاره دارد؛ ایشان می‌فرمایند:

إِنَّهُوَ فِرَاسَةٌ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ (سجادی، ۱۳۷۰: ۵۰۳)؛

از فراست و دید نافذ مؤمن پرهیز کنید و مواظب باشید که مؤمن با نور الهی می‌تواند بسیاری از امور را ببیند.

چنان‌که گفته شد؛ آن‌که معرفت حق را پذیرفته و نور حق و ایمان در دلش بتابد از اضطراب و تشویش و بی‌ثباتی رهایی یابد؛ شرح صدر یابد. این انسان بر آنچه رخ می‌دهد یا آنچه از دست می‌دهد اندوهگین نشده و دلبسته آنچه دارد نیست. ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ (حدید: ۲۳). سکینه و آرامش درونی؛ آدمی را در برابر سختی‌ها به‌ویژه در میدان‌های نبرد مستحکم قرار می‌دهد تا از پا نیفتد، چنان‌که خداوند با اعطای سکینه و آرامش، پیامبران و مؤمنان را در جنگ‌ها پیروز می‌گرداند.

با آنچه گفته شد روشن می‌شود، شرح صدر تحقق بخش صبر و استقامت است. وقتی ظرفیت روحی تحقق یافت و فراتر از محدودیت‌های مادی شد نگاه او به هستی نگاه توحیدی و در قبال حضرت حق تسلیم است. چنین فردی بر در اصل دین و ارزش‌های دینی پافشاری و پایداری داشته و به بیراهه‌های کفر و شرک و نفاق منحرف نمی‌گردد (بعد فکری و عقیدتی) و در مقابل سختی‌های اطاعت و همراهی با دین و ولی دین و در برابر دشواری‌ها و تقابل‌ها و درگیری‌ها و...، شکیبیا و صبور است (در مقام عمل).

انسانی که دارای شرح صدر است کسی است که می‌تواند با صبر و استقامت در مقابل

دشمنی‌ها ایستاده و به مبارزه با ظالمان و مستکبران عالم تا رسیدن به نتیجه پیروزی یا شهادت ﴿إِخْدَى الْحُسَيْنِ﴾ (توبه: ۵۲) بپردازد.

### شرح صدر مهم‌ترین ابزار تقابل

#### رهبران الهی

در همه سطوح جبهه مؤمنان (رهبران، خواص و عموم مردم) شرح صدر یک نیاز و ضرورت است ولی اصولاً، هیچ رهبر بزرگی نمی‌تواند بدون شرح صدر به مبارزه با مشکلات رود و آن کس که رسالتش از همه عظیم‌تر است (مانند پیغمبر اکرم ﷺ) شرح صدر او باید از همه بیشتر باشد، طوفان‌ها، آرامش اقیانوس روح او را بر هم نزنند، مشکلات، او را به زانو در نیاورد، کارشکنی‌های دشمنان، مایوسش نسازد، سوالات از مسائل پیچیده، او را در تنگنا قرار ندهد و این عظیم‌ترین هدیه الهی به رسول الله بود (انشراح).

حضرت موسی ﷺ هنگامی که مأمور شد سراغ فرعون رود ﴿أَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ﴾، به سوی فرعون برو که او طغیان و سرکشی کرده است؛ اولین خواسته‌اش از خدا در این مأموریت خطیر، شرح صدر بود: ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ (موسی) گفت: پروردگارا! سینه‌ام را گشایش بخش (طه: ۲۴-۲۵).

حضرت موسی ﷺ با درخواست شرح صدر، زمینه تسهیل امر رسالت را فراهم می‌آورد. چون اگر قرار است رهبری قوم بنی‌اسرائیل را در مواجهه با فرعونیان قدرتمند به عهده گیرد، لازم است سعه صدر داشته باشد تا در برابر تکذیب‌شان دلتنگ نگردد.

خدای متعال در سوره «انشراح» به یکی از مهم‌ترین موهبت‌های خویش به پیامبر ﷺ اشاره نموده، می‌فرماید:

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ (انشراح: ۱)؛

آیا ما سینه‌تورا گشاده نساختم؟

شک نیست که: منظور از «شرح صدر» در این جا، معنی کنائی آن است و آن توسعه دادن به روح و فکر پیامبر ﷺ است و این توسعه می‌تواند مفهوم وسیعی داشته باشد، که هم وسعت علمی پیامبر ﷺ را از طریق وحی و رسالت شامل گردد و هم بسط و گسترش تحمل و استقامت او در برابر لجاجت‌ها و کارشکنی‌های دشمنان و مخالفان.

در جایی دیگر، خطاب به پیغمبر اکرم ﷺ آمده است:

﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ﴾ (قلم: ۴۸)؛

اکنون که چنین است منتظر فرمان پروردگارت باش، استقامت و شکیبائی پیشه کن و مانند یونس مباش [که بر اثر ترک شکیبائی لازم، گرفتار آن همه مشکلات و مرارت شد].

«شرح صدر» در حقیقت، نقطهٔ مقابل «ضیق صدر» است، چنان‌که در آیهٔ ۹۷ سورهٔ «حجر» می‌خوانیم:

﴿وَلَقَدْ نَعَلِمَ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۷، ۱۴۱)؛

ما می‌دانیم که سینهٔ تو به خاطر گفتگوهای [مغرضانه] آنها تنگ می‌شود.

موسی و هارون علیهم‌السلام نیز پیامبران الهی‌اند که در قرآن مأمور به استقامت شده‌اند:

﴿قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (یونس: ۸۹).

با توجه به عبارت «لَا تَتَّبِعَانِ» در ادامه آیه، که موسی و هارون را از پیروی راه نادانان بر حذر می‌دارد می‌توان گفت که مراد، استقامت بر پیروی از راه خداست. برخی مقصود از آن را استقامت در دعا دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۸۴ ق: ج ۸، ۲۴۰). بعضی از مفسران با توجه به این‌که مخاطب سه آیهٔ اخیر پیامبران الهی هستند و یکی از مهم‌ترین دستورهای خداوند برای آنان به انجام رساندن رسالت و ابلاغ پیام خداست، استقامت را استقامت در تبلیغ دین و پیامبری هم می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ۳۰۴).

### مؤمنان و منتظران

صبر و استقامت در امور بسیار مهم است و در میدان‌های حادثه و خطر چون جنگ و رویارویی با دشمن مهم‌تر است لذا رزمندگان و منتظران که با مهم‌ترین حوادث رویارو هستند به این امر محتاج‌ترند:

حضرت علی علیه‌السلام به یاران هنگام نبرد فرمود:

أَلَا إِنَّكُمْ لَأَقْوَا الْعُدُوَّ عَدَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَأَطِيبُوا اللَّيْلَةَ الْقِيَامَ وَ أَكْثِرُوا تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَ اسْأَلُوا اللَّهَ الصَّبْرَ وَ النَّصْرَ وَ الْقُوَّةَ بِالْحِدِّ وَ الْحَزْمِ وَ كُونُوا صَادِقِينَ (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ ق: ۲۲۵)؛

بدانید که فردا با دشمنان روبرو خواهید شد پس امشب قیام لیل‌تان (نماز شب و مناجات شبانه) خود را طولانی کنید. بر تلاوت قرآن‌تان را بیافزایید و از خدا صبر و پیروزی بخواهید و با دشمنان با جدیت و فراست روبرو گردید

و(بر عهد و پیمان و ایمان تان) صادق باشید.

صبر در دوران غیبت یکی از خصائص و ویژگی‌های مورد ستایش است. در روایت حضرت رسول اکرم ﷺ چنین می‌فرماید:

طَوْبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طَوْبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ أُولَئِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَفَرَمُودِهِ: أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ۱۴۳)؛

خوشا(طوبی) بر صبر پیشه گان در غیبت او. خوشا بر ثابت قدمان بر محبت او همان‌ها که خداوند در کتاب خویش چنین وصف‌شان کرده ....

امام صادق علیه السلام در دعای بعد از زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برای شیعیان اهل بیت چنین دعا می‌فرماید:

تَبَّتْ قُلُوبٌ شِيعَتِهِمْ وَ حَزْبِكَ عَلَى طَاعَتِهِمْ وَ وِلَايَتِهِمْ وَ نُصْرَتِهِمْ وَ مَوَالِيهِمْ وَ أَعْمَهُمْ وَ امْتَنَحَهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فِيكَ (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ۷۸۵).

در روایت دیگر در کلام امام کاظم علیه السلام ثابت قدمان در غیبت مورد تمجید قرار گرفته‌اند و همراهی با اهل بیت و... به آنان بشارت داده شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ۳۶۱).  
امام حسن عسکری علیه السلام در دعای برای یاران حضرت مهدی علیه السلام چنین می‌فرماید:

وَ قَوِّ أَصْحَابَهُ وَ صَبْرَهُمْ وَ افْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا (طوسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ۱۷۱)؛  
یارانش را قوت بخش و آنان را صبر و شکیبایی عنایت فرما و....

امام عصر علیه السلام هدایت و استقامت را از خدا درخواست می‌نماید:

اكرمنا بالهدى والاستقامة (كفعمی، ۱۴۱۸، ج ۳، ۳۴۹).

## نتیجه‌گیری

در رویارویی و جنگ سخت (تندی، تحریم، جنگ، ترور، کودتا، ناامنی و...) و جنگ

۱. یونس بن عبدالرحمن قال: دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ فَقَالَ أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُظَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ غَيْبَةٌ تَطُولُ أَمْدَهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَبْتَغِي فِيهَا أَقْوَامٌ وَ تَبْتَئُ فِيهَا آخِرُونَ ثُمَّ قَالَ طَوْبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوَالِينَا وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أُمَّةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطَوْبَى لَهُمْ ثُمَّ طَوْبَى لَهُمْ وَ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

هیبریدی و ترکیبی، آنچه راهگشاست؛ بینش و بصیرت از یکسو و شرح صدر صبر و استقامت از سوی دیگر است.

پیامبران و اولیاء الهی خود در صف اول این راه بوده و دیگران را هم بر آن مسیر ره می بردند. در مقابل جنگ‌ها و رویارویی‌ها و مشکلاتی که بر جامعه دینی و یاران تحمیل می‌گردد دو شاخصه بینش و شرح صدر لازم است.

دو عنصر مهم برای مواجهه با این دشمنی‌ها لازم است؛ دو خصوصیت در آحاد مردم لازم است: یکی عبارت است از بصیرت و دومی عبارت است از صبر و استقامت که اگر چنانچه این دو عنصر وجود داشت دشمن هیچ کاری نمی‌تواند بکند، هیچ لطمه‌ای نمی‌تواند بزند، هیچ توفیقی در مواجهه و مقابله با نظام اسلامی به دست نمی‌آورد؛ بصیرت و صبر. این همان است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ (مقام معظم رهبری:

۱۳۹۹/۱۲/۲۱).

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، دوم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، مصحح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳. اصفهانی راغب، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق: الدار الشامیة، اول.
۴. جعفری، محمد صابری (۱۴۰۱)، «جنگ نرم و وجود شبهات و لزوم شاخصه بینش و بصیرت در یاران تراز»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال شانزدهم، شماره ۶۵.
۵. جعفریان، رسول (۱۳۸۱)، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: نشر مشعر، چاپ پنجم.
۶. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، محقق و مصحح: عبد اللطیف حسینی کوه کمری، قم: بیدار.
۷. سجادی، سید جعفر (۱۳۷۰)، *فرهنگ اصطلاحات عرفانی*، تهران: نشر کتابخانه طهوری.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، سوم.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه، سوم.
۱۰. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، محقق و مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، سوم.
۱۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۶ق)، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، قم: بوستان کتاب، اول.
۱۲. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*، بیروت: بی نا، اول.
۱۳. عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ق)، *البلد الامین و الدرع الحصین*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، اول.
۱۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۵. قرطبی، شمس الدین (۱۹۶۴م)، *الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)*، قاهره: دارالکتب

- المصرية، دوم.
۱۶. کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، محقق و مصحح: عبدالله نعمه، قم: دارالذخائر.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، *کافی*، قم: دارالحديث، اول.
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۰. محمدزاده چمازکتی، عمار (بی تا)، *جنگ های هیبریدی؛ شیوه جنگ نوین*، بی جا: بی نا.
۲۱. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، اول.
۲۲. مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامية، سی و ششم.
۲۳. منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق)، *وقعه صفین*، محقق و مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم.
۲۴. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۷)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، اول.

25. <https://khamenei.ir>  
 26. <https://fa.wikifeqh.ir>